

مبارزه علیه تورم و بیکاری

برنامه و سیاست های حکام ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است. هدف آنان حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و احیاء روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است. نقشه آنان اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است. قصد آنان اخذ ارزش افزوده و انباشت ثروت از طریق خرید نیروی کار زحمتکشان به بهایی ارزان تر از ارزش واقعی آنست.

در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز برنامه اقدام خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری آماده کرده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری آماده کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران؛ کلیه لایحه های استثمارشونده جامعه: کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارزو زنان مبارز، می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد آورده و متحد کرده؛ تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند متکی بر مطالباتی باشد که از آگاهی کنونی لایحه های تحت ستم آغاز شده و آنان را برای مقابله روزمره با سرمایه داری تا سرحد کسب حکومت کارگری؛ رهنمود دهد.

کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه؛ مبادرت به خود سازماندهی کرده و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی نمایندگان واقعی خود وارد صحنه عمل گردند.

یکی مفاد اساسی برنامه اقدام کارگری از قرار زیر است:

مبارزه علیه تورم و بیکاری

نظام سرمایه داری ایران دچار بحران اقتصادی دائمی است. آمار دولتی از وجود بیش از ۳ میلیون بیکار در ایران خبر می دهد و این غیر از ۷۰۰ هزار تن نیروی کار جدید است که هر ساله وارد بازار می شوند و بخش بزرگ از آنان شغلی پیدا نمی کنند. نرخ بیکاری حداقل ۱۷ درصد است. تشدید تورم و بیکاری روش معمول سرمایه داران برای رفع بحران اقتصادی است. نتیجه ازدیاد تورم نیز بالا رفتن قیمت ها است. مسبب شرایط موجود وخیم تر شدن وضع اقتصادی، سیاست های دولت سرمایه داری است.

اما شیوه ی همیشگی گردانندگان دولت اینست که کلیه مشکلات و فلاکت ها را بر دوش کارگران بیندازد. امروز بیش از هر زمان دیگری، بخش اعظم کارگران در خطر پیوستن به تهیدستان شهری قرار دارند. صدها هزار تن از کارگران فعال و شاغل کشور به علت سیاست های دولت، بیکار و بی خانمان شده اند. بهای مواد اولیه (حتی نان و برنج) هر روز در حال افزایش است و کوچکترین اقدام اساسی برای مهار کردن آن انجام نمی گیرد. سیاست های سرمایه داران، کارگران را در معرض نابودی مالی قرار داده است. میلیون ها کارگر به نان شب خود و خانواده خود محتاج اند. آنان نیز که هنوز بیکار نشده اند، با افزایش قیمت ها به خیل فقرزدگان می پیوندند.

تورم و بیکاری جزء لاینفک نظام سرمایه داری هستند. برای افزایش سود، سرمایه داران مجبورند دستمزدها را پایین بیاورند و قیمت ها را بالا ببرند. اما، این کار باعث کم شدن قدرت خرید مردم و در نتیجه فروش نرفتن بخشی از محصولات تولید شده می شود. برای رفع این مشکل سرمایه داران وارد رقابت شدیدتر با یکدیگر می شوند و عده ای را از میدان بدر می کنند. در نتیجه عده ی زیادتری بیکار شده و قدرت مصرف جامعه پایین می آید. بحران اقتصادی شدت می یابد. این بحران به صورت بحران اضافه تولید نمایان می شود. یعنی اینکه جامعه قدرت خرید آنچه را که تولید می شود، ندارد. در این شرایط تورم هم به سرعت ازدیاد می یابد زیرا که ورشکستگی بالا می گیرد. کارخانه ها یکی پس از دیگری یا تعطیل می شوند و یا از ظرفیت تولید خود می کاهند. پائین آوردن ظرفیت تولید به معنای بالا رفتن مخارج تولید است. در نهایت تولید اضافی خود را، به صورت پائین آوردن سطح تولید و بالا بردن قیمت ها نشان می دهد.

در چنین شرایطی نخستین سوالی که برای کارگران مطرح می شود، اینست که چه کسی مسئول و مسبب اصلی این بحران هاست؟ پاسخ دولت روشن است: کارگران و زحمتکشان. اما، در مقابل، طبقه کارگر پاسخ خود را دارد و در جهت تحقق آن مبارزه می کند. بدیهی است که نظام پوسیده سرمایه داری مسئول اصلی چنین مصیبت هایی در جامعه است. و رنوس برنامه عمل کارگران برای مقابله با تورم و بیکاری در چنین جامعه ای از قرار زیر است:

۱- در جامعه سرمایه داری حق کار، ابتدائی ترین حق کارگران است. دولت سرمایه داری موظف است که برای کلیه کسانی که نیاز به کار کردن دارند کار با شرایط زندگی متوسط ایجاد کند. سلب کار و یا اخراج بی رویه کارگران، حتی در چارچوب نظام سرمایه داری عملی است غیرقانونی. اما، در "قانون کار" رژیم، دست مدیران برای سلب کار از کارگران باز گذاشته شده است.

۲- اگر نظام سرمایه داری قادر به تامین کار برای کسانی که خواهان کار کردن هستند، نمی باشد، وظیفه دولت تامین زندگی آنان است. به جای اعطای وام به سرمایه داران، دولت باید به کلیه بیکاران بیمه بیکاری پرداخت کند.

۳- حداکثر ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطیل هفتگی و یک ماه مرخصی در سال با حقوق، باید برای کلیه کارگران توسط دولت تضمین گردد، ۴۴ ساعت کار هفتگی مفید در "قانون کار" باید فوراً لغو گردد.

۴- تحت هیچ شرایطی کارگران نباید اخراج گردند. اگر رژیم سرمایه داری قادر به نگهداری کلیه نیروی کار نیست، باید به جای اخراج، کار موجود را بدون کسری حقوق، میان کارگران تقسیم کند.

کاهش متناسب ساعات کار، همراه با پرداخت حقوق کامل به کارگران، تنها راه اساسی مقابله با بیکاری اجباری است.

۵- تبلیغات دولت مبنی بر کمبود کار نا درست است. کار به اندازه کافی در جامعه موجود است. اما کاری که جیب سرمایه داران را پرتر کند، کم است. زحمتکشان ایران نیاز مبرم به خدمات، مسکن، پارک برای تفریح، کتابخانه، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه و مهدکودک... دارند. دولت باید بلافاصله با اتخاذ مالیات های تصاعدی از شرکت های بزرگ و تجار پولدار و به کار انداختن معقول منابع عظیم نفت، دست به اجرای وسیع برنامه های عمرانی و خدمات اجتماعی بزند. از این طریق هم نیازهای جامعه بر آورده می شود و هم کار برای مدتی طولانی ایجاد می شود.

۶- باید برای کلیه کارگران حداقل دستمزد متناسب با مخارج تعیین گردد. حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار از ابتدای سال ۸۲ روزانه ۲۸۴۴۶ ریال و ماهانه معادل ۸۵ هزار و ۳۳۸ تومان تعیین شد. این رقم در شرایطی که طبق آمار خود دولت هزینه متوسط یک خانواده شهری بیش از این رقم در روز می باشد، نا کافی است.

۷- کلیه کارگران باید از پرداخت مالیات معاف گردند. مالیات غیرمستقیم که از مواد اولیه غذایی اخذ می گردد، باید فوراً لغو گردد. باید نظام مالیاتی درجه بندی شده ای که با افزایش در آمد به صورت تصاعدی افزایش می یابد، اعمال گردد.

بخشی از: «برنامه اقدام کارگری» (طرح پیشنهادی)

مهدی ریاضی

mehdi_riazi@hotmail.com

۱۰ اسفند ۱۳۸۲